



سقوط اخوان المسلمین در مصر و تأثیر آن بر موقعیت منطقه‌ای ترکیه

محمد جواد سلطانی^۱ / مهدی خدابخش^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Mohammadgi1367@gmail.com

^۱. دکتری روابط بین الملل

^۲. دانش آموزخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای Mjev97@yahoo.com

چکیده

تحولات اخیر جهان عرب ژئوپلتیک قدرت در خاورمیانه را به شدت متاثر کرد. سقوط دولت‌های اقتدارگرایی همچون بن علی و مبارک، معادله قدرت در خاورمیانه را وارد دوره جدیدی کرد. قدرت‌های منطقه‌ای با باز تعریف موقعیت و منافع ملی و منطقه‌ای خود شروع به گسترش روابط با رژیم‌های پسا انقلابی کردند. ترکیه به عنوان یکی از قدرت‌های اثر گذار در منطقه، تحولات عربی را فرصتی برای باز آفرینی نقش و موقعیت تاریخی خود در نظر گرفت. این امر با قدرت گیری اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس اوج گرفت. حزب عدالت و توسعه که شاخه‌ای از اخوان المسلمین است، ظهور این جریان‌ها را در عرصه قدرت در دو کشور به مفهوم گسترش تمدنی و فرهنگی خود تلقی کرد و این امر را فرصتی برای استراتژیک کردن روابط خود با دولت‌های جدید در مصر و تونس تبدیل کرد. سقوط این جریان‌ها از شاکله قدرت در مصر و تونس، استراتژی منطقه‌ای ترکیه را مختل کرد و این کشور از فاز الهام بخش بودن در تحولات خاورمیانه به فاز نظامی-امنیتی تغییر مسیر داد. تنش در روابط با مصر، مداخله نظامی در سوریه از جمله پیامدهای این سیاست است. این مقاله در پی بررسی آسیب‌های ترکیه از سقوط اخوان المسلمین و در مرحله بعدی تلاش آنکارا برای بازگشت دوباره این گروه به ارکان قدرت است. فرضیه تحقیق به این شکل مطرح می‌گردد که سقوط اخوان المسلمین در مصر، ترکیه را از نقش معنوی و فرهنگی در منطقه دور ساخت و موقعیت این کشور را در نظم بخشی به بحران‌های خاورمیانه تضعیف کرد.

واژگان کلیدی

تحولات عربی، هلال اخوانی، قدرت، خاورمیانه، ترکیه.

مقدمه

تحولات کشورهای عربی از اواخر سال ۲۰۱۰ به بعد در سطح منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا موجی از مخالفت‌ها، موافقت‌ها و یا حتی بی‌طرفی را به دنبال داشت. این تحولات سیاسی یک نقطه تحول و چرخش در سیاست خارجی کشورهای زیادی نسبت به این دو منطقه و به ویژه کشور مصر در شمال آفریقا پدید آورد. در این بین، کشور ترکیه به زعامت حزب عدالت و توسعه شروع به اتخاذ راهبردهایی در جهت حمایت از جریان‌های انقلابی برخاست. زمانی که معترضین به حکومت دیکتاتوری حسنی مبارک در میدان تحریر قاهره تجمع کرده و خواهان کناره‌گیری این دیکتاتور از قدرت شدند، رجب طیب اردوغان نخستین رهبر سیاسی بود که از کناره‌گیری فوری حسنی مبارک از قدرت حمایت کرد. با روی کار آمدن جریان اخوان المسلمین در این کشور، اردوغان و احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه، به طور جداگانه از این کشور بازدید کردند و ضمن تاکید بر اصلاحات در مصر برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تا سطح بی‌سابقه‌ای حمایت خود از گذار به دموکراسی در این کشور را نشان دادند. نظام سیاسی ترکیه به عنوان مدل دموکراتیک اسلام‌گرایی مطرح شده بود تا به هدایت مصر در این گذار آشفته کمک کند. این رویکرد ناشی از وجه مشترک بین حزب عدالت و توسعه در ترکیه و جریان اخوان المسلمین مصر است. در واقع، ریشه فکری حزب حاکم در ترکیه اخوانی است.

با این حال، تحولات پس از برکناری حسنی مبارک که منجر به روی کار آمدن مرسی از جریان اخوان المسلمین در این کشور شد و بعد از مدتی به سرنگونی این جریان انجامید، چندان به مذاق ترکیه خوش نیامد و ماه‌های پس از برکناری محمد مرسی شاهد تیرگی در روابط این دو کشور بودیم. اهمیت تحولات نقش اخوان المسلمین در مصر تا آنگونه بود که تیرگی روابط دو کشور به اخراج سفرای یکدیگر منتهی شد. سفرای دو کشور به عنوان عنصر نامطلوب معرفی شدند و مصر نیز روابط خود را با ترکیه به سطح کاردار سفارت کاهش داد. به گونه‌ای که این تحول (به عنوان یکی از عوامل متعدد) سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان را که توسط داوود

اوغلو در سیاست خارجی ترکیه مطرح شده بود و تا قبل از بهار عربی به جد دنبال می‌شد، متوقف ساخت. هدف این مقاله پرداختن به این موضوع است که دولت ترکیه در حمایت از جریان اخوان المسلمین مصر و باز خیزی آن در آینده چه نقشی دارد و در این زمینه چه اقداماتی از سوی ترکیه صورت گرفته است و پرسش بعدی که به دنبال سوال اول مطرح می‌گردد اینکه سقوط اخوان المسلمین در مصر چه تاثیری در جایگاه گفتمانی و سیاسی حزب عدالت و توسعه ترکیه گذاشت؟ برای این منظور با بهره‌گیری از نظریه گفتمان به دنبال بررسی تاثیر و تاثر این دو متغیر هستیم.

چارچوب نظری: تحلیل گفتمانی

در تحلیل گفتمانی، صرفاً با عناصر تشکیل دهنده متن بعنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا رو برو نیستیم، بلکه با عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی مواجهیم. نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. اعمال، گفتار و پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاص قرار بگیرند. فوکو معنا بخشی را محصول گفتمان و نظام‌های متفاوت معرفت می‌خواند و این معنای بدست آمده را مترادف با حقیقت می‌داند. یعنی حقیقت گفتمانی است. او معتقد است معنای بدست آمده از هر گفتمانی به ما می‌گوید «چه چیزی درست و یا چه چیزی غلط است، جستجوی حقیقت ناب بیرون از گفتمان کاری بیهوده است» (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵۶).

برداشتی که ارنست لاکلاو و شنتال موفه از گفتمان دارند بیانگر ویژگی رابطه‌ای هویت می‌باشد. معنای کلمات و اعمال را بایستی با توجه به زمینه‌ای کلی که آنها جزئی از آن هستند فهمید. مفصل‌بندی، کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها و اعمال چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیه آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. بنابراین هویت یک گفتمان، در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶). «هر عملی که منجر به برقراری رابطه بین عناصر شود به نحوی که هویت این عناصر در اثر مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساختمند حاصل از این عمل

مفصل بندی نیز گفتمان نامیده می‌شود.» (Laclau and Moaffe, 1985:105). دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. دال شناور دالی است که مدلول‌های آن ثابت نیست یعنی مدلول‌های متعددی دارد. در دیدگاه لاکلاو و موفه رابطه بین دال و مدلول همواره در تغییر است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۸۲). دال مرکزی هسته مرکزی منظومه گفتمانی سایر دال‌ها حول محور آن نظم می‌گیرند. دال مرکزی هسته مرکزی منظومه گفتمانی به شمار می‌رود.

ایجاد رابطه خصمانه منجر به تولید دشمن و دیگری می‌شود که برای تاسیس مرزهایی سیاسی امری ضروری می‌باشد. تجربه ضدیت برقراربودن هویت را نشان می‌دهد. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیریت‌سازی می‌کنند. گفتمان‌های غیر به حاشیه رانده شده، دائماً در تلاشند تا معنایی جدید از وقته‌ها (دال‌های تثبیت شده) ارائه کنند و ثبات موقت معنایی را که گفتمان مسلط ایجاد کرده است، برهم بزنند. بنابراین، دال‌ها همواره در معرض بی‌قراری معنایی و شناور شدن هستند. اگر ثبات معنایی دال‌های یک گفتمان از میان برود، ثبات آن گفتمان از میان خواهد رفت. در واقع، دچار بی‌قراری و بحران هویت خواهد شد. خصومت عملکردی دوسویه دارد از یک طرف هستی گفتمان را تهدید می‌کند و مانع تثبیت گفتمان‌ها می‌شود و از طرف دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی به شمار می‌رود (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

اینکه آیا یک گفتمان می‌تواند بر جامعه مسلط شده و به مقام هژمونیک برسد، اختلاف نظر وجود دارد؟ از دید فوکو ماهیت سلطه طلب گفتمان باعث می‌گردد که یک گفتمان با وجود گفتمان‌های رقیب به منزلت هژمونیک برسد. ولی لاکلاو و موفه معتقدند سرشت سیال زبان اجازه تثبیت کامل معنا را نمی‌دهد و در نتیجه امکان تفوق کامل و دائم یک گفتمان وجود ندارد. در هژمونی معنا و مدلول دال‌ها تثبیت می‌شود. مفهوم انسداد یا توقف به تثبیت معانی نشانه اشاره دارد. این انسداد دائمی نیست.

(Laclau and Moaffé, 1985:110) گفتمان‌ها برای تثبیت معانی نشانه‌ها به برجسته نمودن معانی مورد نظر خود و طرد معانی دیگر مبادرت می‌کنند. پس در سایه هژمونی رابطه بین دال و مدلول تثبیت می‌گردد. گفتمان‌های رقیب از طریق ساختارشکنی سعی دارند در معانی تثبیت شده دال‌ها تزلزل ایجاد نمایند و در صورت موفقیت فروپاشی گفتمان مسلط را شاهد خواهیم بود. هدف از ساختارشکنی، از میان بردن این ثبات معنا و شکستن هژمونی گفتمان رقیب است. بنابراین، همه گفتمان‌ها خصلت امکانی و موقتی دارند و هیچ گاه تثبیت نمی‌شوند (Laclau, 1990: 28). منازعات معنایی میان گفتمان‌ها پیوسته جریان دارد. هر گفتمانی در تلاش است با طرد معنای "دیگری" معنای "خودی" را حفظ کند. گفتمان‌ها همواره غیر را به حاشیه می‌رانند و خود را برجسته می‌نمایند. اما حاشیه‌رانی غیر هر اندازه نیز شدید باشد، نمی‌تواند رقیب را به طور کامل از صحنه چالش و رقابت حذف نماید. بنابراین، همیشه امکان بازسازی و «بازگشت سرکوب‌شدگان» وجود دارد (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). از دید لاکلاو تمام گفتمان‌ها و پروژه‌های هژمونیک در معرض تهدید از سوی سوژه‌ها و گفتمان‌های رقیب قرار دارند (Jorgensen & Phillips, 2002: 48). توجه به این نکته نیز لازم است که غیریت‌سازی طیفی از مفاهیم را، از رقابت تا دشمنی و سرکوب خشونت‌بار در بر می‌گیرد. رابطه خود و دیگری همیشه خصمانه نیست. هرچه ظرفیت گفتمان‌ها برای تبدیل خصومت به رقابت بیشتر باشد، موقعیت آنها بیشتر تثبیت خواهد شد.

«قابلیت دسترسی» یعنی گفتمان در زمینه و موقعیتی در دسترس افکار عمومی قرار گیرد که هیچ گفتمان دیگری به عنوان رقیب و جایگزین به شکلی هژمونیک در عرصه رقابت حضور نداشته باشد. اگر بحران اجتماعی آنقدر شدید باشد که سراسر نظم گفتمانی حاکم را متزلزل سازد، در دسترس بودن یا همان «قابلیت دسترسی» به تنهایی قادر است پیروزی یک گفتمان را تضمین نماید (بابی، ۱۳۷۹: ۸۷). البته این نشان دهنده صدق گزاره‌ها و استحکام عقلانی آنها در ذهن مردم نیست و یا اینکه مردم محتوایش را دوست دارند بلکه بدان علت است که در شرایط بی‌نظمی، نیاز به نظم از همه چیز مهم‌تر است و محتوای این نظم، دغدغه ثانویه خواهد بود (Laclau, 1994: 3). دومین مفهوم، «قابلیت اعتبار» یعنی سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول

بنیادین جامعه است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵). همواره در تمامی جوامع، اصول عامی وجود دارد که مورد پذیرش اکثریت است.

کنار رفتن اخوان المسلمین مصر باعث شد که حزب عدالت و توسعه به عنوان شاخه‌ای از اخوان ویژگی الگو بخشی‌اش را در منطقه از دست بدهد. به عبارتی، اخوان المسلمین مصر نتوانست پاسخی به تقاضاهای اقتصادی و سیاسی مردم مصر دهد و این نشان می‌دهد که این جریان هنوز در تطابق با وضعیت کشورهای عربی درگیر تحولات فاصله دارد. نکته مهم دیگر اینکه این جریان‌ها که حزب عدالت و توسعه هم در داخل ترکیه منشعب از آن‌ها است روحیه تکثرگرایانه و مشارکت طلبانه ضعیف‌تری دارند و توانایی همگرایی و هم نظری با دیگر جریان‌ها ندارند و این یکی از مهم‌ترین دلایل به شکست انجامیدن پروژه اخوان در مصر و سایر کشورهای عربی است. از سوی دیگر، سایر کشورهای عرب که منافع مشترکی در تحولات عربی با ترکیه دارند، به ویژه عربستان و امارات، مخالف برتری گفتمان اخوانی هستند.

روابط تاریخی حزب عدالت و توسعه ترکیه با اخوان المسلمین مصر قبل از

تحولات سیاسی مصر ۲۰۱۰

قرابت ایدئولوژیک بین گروه اسلام‌گرای اخوان المسلمین و حزب عدالت و توسعه ترکیه ریشه در تحول تاریخی این حزب در ترکیه دارد و هم‌سویی ترکیه با اخوان المسلمین پس از سقوط مبارک را نمی‌توان تنها محدود به این دوران دانست. از اوایل دهه ۱۹۶۰ چشم‌انداز جنبش ملی، جنبش اسلام‌گراهای سیاسی ترکیه در یک چشم‌انداز کلی خودش را بخشی از شبکه گسترده‌تر جنبش‌های اسلامی می‌دانست. این روند در مورد حزب رفاه بیشتر صدق می‌کرد که در سال ۱۹۸۳ تاسیس شده بود و در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به عنوان حزب اصلی ائتلاف حکومت را در ترکیه در دست داشت (Duzgit, 2015:3).

کنگره‌های حزب رفاه در این سال‌ها نمایندگانی از جریان اخوان المسلمین مصر را نیز در خود داشت. این حزب در سال ۱۹۹۶ سعی کرد در تنش بین حسنی مبارک و جریان اخوان المسلمین وساطت کند. چنین ابتکارات سیاسی از سوی نگرش سیاست

خارجی حزب مورد حمایت بود. با این حال، رابطه حزب رفاه با اخوان المسلمین مصر در این سال‌ها در نوسان بوده است. زمانی که حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب منشعب از حزب رفاه در سال ۲۰۰۲ قدرت را در دست گرفت، روابط نزدیک خود با اخوان المسلمین را به نوعی کم اهمیت جلوه داد. گرایش به سمت کشورهای غربی در این زمینه نقش داشت. در واقع، در این برهه حزب عدالت و توسعه بر روی عضویت در اتحادیه اروپا و همکاری با آمریکا متمرکز بود تا در مقابل جریان سکولار ترکیه مقاومت کند (Mensur, 2011:2).

انتخابات عمومی سال ۲۰۰۷ ترکیه نوسانی دیگر در مسیر حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین مصر بود. با پیروزی حزب عدالت و توسعه نزدیکی آن به اخوان المسلمین بیشتر شد. به موازات اینکه منطقه غرب آسیا در سیاست خارجی دولت ترکیه جایگاه بیشتری به دست می‌آورد، روابط با جریان اخوان المسلمین مصر نیز در سطح کل این منطقه برای ترکیه مهم‌تر می‌شد. لزوم این نزدیکی از آن رو بود که دولت ترکیه مایل بود خود را به عنوان قدرت منطقه‌ای معرفی کند و ظرفیت‌های صادراتی خود را به بازار کشورهای منطقه و مصر گسترش دهد. این نزدیکی توسط یک ایدئولوژی دیرینه تقویت می‌شد و آن سیاست نئوعثمان‌گرایی بود که ترک‌ها در کل منطقه دنبال می‌کردند تا از لحاظ تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشورهای منطقه را به ترکیه پیوند دهد (Duzgun, 2015:7). البته، در این برهه زمانی اقتصاد اولویت اصلی مقامات ترکیه بود و چندان اهمیت سیاسی اخوان المسلمین مد نظر نبود.

جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با نوار غزه در فلسطین اشغالی و اظهارات ضد اسرائیلی مقامات دولت ترکیه، آن‌ها را بیش از گذشته به اخوان المسلمین مصر نزدیک‌تر کرد و هم نقش ترکیه به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای را برجسته‌تر نمود. تحولات عربی سال ۲۰۱۱ که همچون دومینو تداوم یافت، این فرصت را بیش از گذشته برای ترکیه فراهم کرد تا خود را به عنوان قدرتی اثر گذار در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نشان دهد (Gurpinar, 2015:9). با پایان دیکتاتوری مبارک در مصر، دولت ترکیه انواع حمایت‌های خود را اعم از سیاسی، اقتصادی و حتی کارشکنی در برابر حکومت عبد الفتاح السیسی به اخوان المسلمین ارائه داد. از این زاویه، به نوعی می‌توان گفت حزب

عدالت و توسعه تا سال ۲۰۱۱ هیچ رویکرد مشخصی به عنوان یک حزب همسو با اخوان ندارد؛ از سال ۲۰۱۱ نیز اهداف خاص منطقه‌ای را دنبال می‌کند. لذا، از اخوان المسلمین استفاده کرد.

سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات مصر پس از ۲۰۱۰

مهم‌تر از اینکه دولت ترکیه تحولات بهار عربی از اواخر سال ۲۰۱۰ را چه چیز می‌دانست، این مساله بود که شرایطی برای بازی گردانی نقش و جایگاه بیشتر این کشور در منطقه غرب آسیا فراهم شده بود تا به یمن یارگیری در این تحولات هم در داخل کشورهای هدف و هم بازیگران خارجی خود را به عنوان بازیگری تاثیر گذار در چشم دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان دهد. کشور مصر در این زمینه جایگاه برجسته‌ای داشت. دو مولفه چنین اهمیتی در داخل مصر وجود داشت: نخست گروه اخوان المسلمین در این کشور که جریانی همسو با حزب حاکم بر ترکیه بود، این توانایی را پیدا کرد که سوار بر موج انقلاب شود و دوم اینکه مصر بزرگترین شریک تجاری ترکیه در منطقه پس از بحرین بود که دومین وارد کننده کالاهای ترکیه‌ای محسوب می‌شد (Karabat, 2015:3).

با این حال، روند حمایت‌های دولت ترکیه از تحولات مصر آشکار کرد که تاکید این کشور بر روی کار آمدن و ماندن اخوان المسلمین در مسند قدرت است و نه صرفاً سرنگونی حسنی مبارک. در واقع، پس از سرنگونی مبارک اولویت سیاست بر اقتصاد برتری یافت. چنین وضعیتی بیانگر نگرش منطقه‌ای ترکیه به این تحولات بود و نه صرفاً کشور مصر. ترکیه در این مسیر از همسویی افکار عمومی در داخل کشور خود نیز بهره مند بود. راهپیمایی بخشی از مردم ترکیه و به ویژه شاخه جوانان حزب عدالت و توسعه از جمله در شهرهای آنکارا و استانبول در حمایت از خیزش مردم مصر، ناشی از رویکرد مهم ترکیه در قبال تحولات سیاسی مصر محسوب می‌شود (Khattab, 2013: 8). از این رو، دولت ترکیه بزرگترین حامی منطقه‌ای سرنگونی دیکتاتوری مصر بود. به گونه‌ای که اظهارات رجب طیب اردوغان سبب محبوبیت وی در بین معترضین میدان تحریر قاهره شد.

روابط دو کشور با انتخاب محمد مرسی به عنوان رئیس جمهوری این کشور که پایگاه اصلی طرفدارانش را اسلام‌گرایان میانه‌رو، به ویژه اخوان المسلمین و حزب عدالت و توسعه تشکیل می‌دادند، باعث گردید که پیوندهای سیاسی و اقتصادی دو کشور در منطقه عمیق‌تر از گذشته شود و طی مدت حکمرانی محدود مرسی، مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی دو کشور در اکثر موارد مشابه هم بود. اعتقادات مشترک نخبگان حزب عدالت و توسعه ترکیه و اکثریت نخبگان گروه اخوان المسلمین مصر در ارتباط با ارائه یک اسلام دموکراتیک و میانه‌رو و همچنین نفی نظامی‌گری و رادیکالیسم از جمله مواردی بودند که این دو جریان سیاسی و به نوعی مذهبی را به هم پیوند می‌داد (El-Sherif, 2015:11). هر چند اخوان المسلمین در عمل در تجربه کوتاه حکومت داری خود طور دیگری رفتاری کرد و جامعه را به سمت اخوانیزه کردن سوق داد. رویه‌ای که یکی از دلایل سقوط مرسی معرفی شد.

با استمرار تحولات ناشی از انقلاب ۲۰۱۱ و شورش دوم در ۲۰۱۳ در مصر و روی کار آمدن نظامیان در این کشور اعتبار ترکیه در تحولات مصر کم رنگ شد. استمرار مشکلات داخلی، تنش در روابط با برخی کشورها و گسترده شدن خشونت‌ها با مولفه مذهبی جریان‌های سلفی‌گرا سرانجام سقوط مرسی را رقم زد. سقوط اخوان المسلمین مصر نشان داد که مطالبات مردمی از عمق و گستره قابل توجهی برخوردار است. ارتش مصر با یک کودتا به بهانه حفظ انقلاب و در یک بستر حمایت مردمی و سکوت جریان‌های دیگر سیاسی محمد مرسی و برخی حامیان اخوانی وی را روانه زندان کرد. ترکیه به چند دلیل بیشترین ضرر را از سقوط اخوان المسلمین مصر کرد. با سقوط اخوان المسلمین در این کشور اولاً الگوی سیاسی و اقتصادی ترکیه که توسط این جریان در این کشور حمایت و دنبال می‌شد، موضوعیت خودش را از دست داد و همچنین با توجه به موضع‌گیری رهبران ترکیه که منتقد اصلی سقوط اخوان المسلمین و روی کار آمدن نظامیان به عنوان کودتا بوده و شخصیت اول آن را مستبد یاد کردند، باعث افزایش تنش و سردی در روابط بین دو کشور گردید تا جایی که هر دو کشور سفرای خود را فرا خواندند (Maccarty, 2015). دولت ترکیه اقدام ارتش مصر را در برکناری مرسی اقدامی آشکار در نقض دموکراسی و حمایت از دیکتاتوری دانسته و

خواهان کناره‌گیری نظامیان از قدرت و روی کار آمدن دوباره اخوان المسلمین به قدرت شده و هنوز بر دیدگاه خود برغم برخی از نوسانات پایبند بود.

تحلیل عملکرد دولت ترکیه نسبت به بازخیزی اخوان المسلمین در مصر

نظام سیاسی حاکم بر ترکیه خود را مدلی برای مصر بعد از حسنی مبارک می‌دانست که بهترین گزینه اجرای این مدل، اخوان المسلمین مصر است که با حزب عدالت و توسعه ترکیه همسویی دارد. ترکیه حتی مدل سیاسی خود را بهترین مدل برای رژیم‌های سرنگون شده در نتیجه تحولات بهار عربی می‌دانست تا هم موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا را به سود خود تغییر دهد و هم قدرت بیشتری در تعامل با کشورهای غربی به دست آورد. موضوعی که می‌توان از آن به عنوان "هلال اخوانی" یاد کرد تا به بلوکی در برابر هلال شیعی مطرح شده از سوی عبدالله پادشاه اردن شود که در آن ایران نقش اول را دارد. تاکید مقامات ترکیه بر سرنگونی رژیم بشار اسد در سوریه در همین راستا بود که جریان اخوان المسلمین در مصر و سوریه قدرت را به دست آورند (Shurafa, 2012:3). پیروزی اخوان المسلمین در مصر و تونس، احتمال شکل‌گیری این هلال را برای ترکیه جدی‌تر کرد. تداوم این روند وزنه سیاسی دولت ترکیه را در برابر ایران و عربستان سعودی در منطقه بیش از گذشته برتری می‌بخشید.

در واقع، با سقوط دیکتاتوری حسنی مبارک، نظام حاکم ترکیه به عنوان مدل موفق‌تری از حکومت داری در داخل مورد بحث بود که توانسته است با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال، پایگاه اجتماعی اسلام‌گراها را به دیگر گروه‌های جامعه نیز گسترش دهد. از سویی، اسلام میانه‌رو ترکیه بعد از حوادث تروریستی یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ بیشتر مقبول افکار عمومی جهان بوده است. از این رو، ترکیه با حمایت از اخوان المسلمین می‌توانست حمایت و همراهی کشورهای غربی، به ویژه آمریکا را بیش از گذشته با خود داشته باشد. چرا که غرب نیز مدل حاکم بر ترکیه را مقبول می‌داند و حتی خواهان تبعیت کشورهای مسلمان به ویژه کشورهای آسیای مرکزی از چنین ساختار سیاسی است. بنابراین، مخالفت شدید حزب عدالت و توسعه ترکیه با سرنگونی اخوان المسلمین و در راس آن محمد مرسی در مصر واقعیت دور از انتظاری نبود.

اگرچه برخی از جمله دانیل بیمان معتقد است حمایت‌های ترکیه از ابقای اخوان المسلمین و تلاش برای بازگشت آن‌ها به عرصه قدرت مصر با این تصور که این جریان جا پای حزب عدالت و توسعه می‌گذارد اشتباه است. زیرا کشورهای رها شده از دیکتاتوری‌ها، روزهای نه چندان دور تحت سلطه امپراتوری عثمانی را فراموش نکرده‌اند (Byman, 2014).

الف) حمایت‌های دولت ترکیه از اخوان المسلمین در دوران حکومت مرسی:

با روی کار آمدن محمد مرسی و جریان حامی او، سیل کمک‌های ترکیه به مصر شروع شد. این کشور متعهد شد کمک‌هایی در راستای توسعه به ارزش دو میلیارد دلار به دولت تازه روی کارآمده مصر بدهد. همچنین، کمک‌های فنی و تکنولوژیک مانند اعطای ۱۵۰ کامیون برای خدمات شهری به این کشور داده شد. حجم تجارت دو کشور در ۲۰۱۲ به بالاترین نقطه خود یعنی ۵ میلیارد دلار رسید. پس از سفر رجب طیب اردوغان به این کشور ۲۷ توافقنامه دو جانبه در حوزه‌های گوناگونی همچون تجارت، حمل و نقل، کشاورزی و همکاری‌های پلیسی امضا شد. اردوغان روی کار آمدن گروه اخوان المسلمین را همچون یک ابزار نفوذ بیشتر برای ترکیه در راستای تاثیر گذاری بر مساله اسرائیل و فلسطین تلقی می‌کرد. حتی حزب عدالت و توسعه در جریان انتخابات مصر، کمپین کارشناسان انتخاباتی خود را راهی مصر کرد تا به مرسی کمک کنند پیروز انتخابات باشد (Yegin, 2016:6). ترکیه انتخاب مرسی را موفقیت رویکرد سیاست خارجی خود ارزیابی می‌کرد.

طبق روال گذشته که نمایندگان اخوان المسلمین در کنگره حزب عدالت و توسعه شرکت می‌کردند، در ۲۰۱۲ مرسی این نمایندگی را بر عهده داشت. مرسی در جریان این کنگره از حمایت‌های ترکیه تشکر کرد. با سفر عبدالله گل در فوریه ۲۰۱۳ به کشور مصر، وی نخستین رهبر خارجی بود که با حکومت مرسی ملاقات کرد. تعامل بین دو کشور به حدی رسید که بحث از بحران سوریه نیز به میان آمد و هر دو از گروه‌های مخالف رژیم بشار اسد حمایت کردند. حتی نیروهایی از سوی مصر برای ورود به سوریه و کمک به گروه‌های مخالف بشار اسد تدارک دیده شد. ترکیه با حمایت از مرسی می‌توانست همکاری خود با قطر، دیگر بازیگر منطقه‌ای مهم را بر سر مصر بیشتر کند.

چرا که قطر نیز دیدگاهی مثبت به جریان اخوان المسلمین مصر داشت و این روند سه کشور را بر سر بحران سوریه نیز متحد کرده بود که هر سه خواهان سرنگونی اسد بودند (Shayan, 2016). به عبارتی، برنامه‌های اسلام‌گرایانه رجب طیب اردوغان پس از سقوط حسنی مبارک، دوحه را نیز حول این محور قرار داد. آمریکا با این حال موضع تعلل آمیز و نه چندان ثابتی در قبال حمایت‌های دولت ترکیه از گروه اخوان المسلمین پیشه کرد و با توجه به سوابق خرابکارانه اخوان المسلمین به تخریب مقامات مصری مبادرت کرد.

برخلاف آنچه که توسط حزب عدالت و توسعه در ترکیه اجرا می‌شود، استمرار مشکلات اقتصادی، استبداد حکومتی که منجر به گسترش خشونت‌های مذهبی ضد گروه‌های دیگر شد و با سکوت مرسی به نوعی تایید می‌شد و تنش در روابط با دیگر کشورها به عمر جریان حامی ترکیه در مصر به سرعت پایان داد و محمد مرسی بر کنار شد. با توجه به طرفداری دولت ترکیه از جریان مرسی، دور از انتظار نبود که مقامات ترکیه مخالف سر سخت کودتا ضد اخوان المسلمین باشند. از دست دادن محمد مرسی یک شکست بزرگ در سیاست خارجی ترکیه ارزیابی می‌شد، چرا که ترکیه یک متحد منطقه‌ای خود را از دست داد، درست زمانی که سیاست خارجی این کشور بر سر بحران سوریه متزلزل شده بود (Kuru, 2015:7). از این رو، ترکیه به تلاش برای بازخیزی این جریان در آینده سیاسی کشور مصر ادامه داد.

ب) تلاش‌های ترکیه برای بازخیزی آینده اخوان المسلمین: مقامات دولت ترکیه، کودتای نظامی‌ها به رهبری عبدالفتاح السیسی ضد محمد مرسی را اقدامی بر ضد دموکراسی در این کشور ارزیابی کردند و از ابزارهای گوناگون برای بازخیزی اخوان المسلمین در مصر استفاده کردند. اردوغان در عرصه سیاسی و در بعد خارجی شورای امنیت سازمان ملل را متهم کرد که واکنش موثری نسبت به این کودتا از خود بروز نداده است. در سال ۲۰۱۳ دولت ترکیه از این شورا خواست رژیم السیسی را تحریم کند. اردوغان با صراحت در گفتگو با شبکه الجزیره و همسو با قطر اعلام کرد که دولت آنکارا نظام سیاسی را که با کودتای نظامی روی کار آمده است به رسمیت نمی‌شناسد و عبدالفتاح السیسی یک کودتاجی نامشروع است. در سطح داخلی، حزب عدالت و توسعه

ترکیه تظاهراتی در حمایت از محمد مرسی و اخوان المسلمین و ایجاد یک کمپین در ترکیه ترتیب داد و علامت چهار انگشت به عنوان نماد حمایت مردم ترکیه از مرسی در خیابان‌های این کشور به نمایش درآمد که در واقع نمادی در مخالفت با کودتایی بود که معترضین مصری در خیابان‌های قاهره نشان می‌دادند (Meringolo, 2016:7).

دولت ترکیه از این موضوع به عنوان ابزاری برای بی‌اعتباری جریان اپوزیسیون در کشور خود استفاده کرد. و حتی رهبران اپوزیسیون برای دور نماندن از قافله حمایت از دموکراسی به طور غیر مستقیم نیز به حمایت از اخوان المسلمین مصر مبادرت کردند. کمال قلیچدار اوغلو رهبر حزب جمهوری خواه خلق ضمن حمایت از مرسی بیان داشت دولت مصر، رئیس جمهور منتخب از راه دموکراسی را اعدام نخواهد کرد. وی اعدام مرسی را مرحله نخستین تنش‌های خشونت آمیز در مصر دانست که به جنگ داخلی منتهی می‌شود. اوغلو بیان داشت با این حال در چهارچوب فرآیند دموکراتیک می‌توان مرسی را محاکمه کرد. وی تاریخ گذشته ترکیه را تجربه‌ای برای مصری‌ها دانست که پیامد اعدام نخست وزیر دهه ۱۹۶۰ ترکیه را وقوع دو کودتا در این کشور دانست (Anadolu Agency news, 2016). در واقع، کسانی که در داخل جامعه ترکیه از محمد مرسی و اخوان المسلمین حمایت نمی‌کردند، برچسب حامیان کودتا و حامیان اسرائیل و مخالفین دموکراسی خوردند. دادگاه جنایی قاهره محمد مرسی و مفتی سرشناس جریان اخوان المسلمین را به مجازات اعدام محکوم کرد (Jacobson, 2016). و ترکیه شدیدترین مخالفت‌ها را با این حکم بیان نمود.

حمایت‌های سیاسی دولت ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین: اردوغان در راهپیمایی شانزدهم می ۲۰۱۶ در استانبول، روزی که دادگاه حکم اعدام مرسی را اعلام کرد، ضمن انتقاد از رژیم سیسی، کشورهای غربی را همدست این رژیم دانست و بیان داشت: " متأسفانه حکم اعدام رئیس جمهوری را صادر کردند که با ۵۲ درصد آرای مردم به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب شده بود. کشور مصر در حال بازگشت به مصر قدیم است (دوران حسنی مبارک). کشورهای غربی نیز متأسفانه تا به حال موضع شفافی در برابر کودتای عبدالفتاح السیسی اتخاذ نکرده‌اند. در حالی که کشورهای غربی حکم

اعدام را منسوخ کرده‌اند، نظاره‌گر حکم اعدام این رئیس جمهور توسط کودتاچیان در سکوت کامل در مصر هستند."

با این حال، ایالات متحده و به ویژه اوباما به جریان اخوان المسلمین توجه داشت. مجله رای الیوم در این زمینه اطلاعاتی راجع به لیست شش نفره‌ای را منتشر کرد که وارد کاخ سفید شده و نگرش‌های خصمانه‌ای نسبت به گروه‌های اسلام‌گرا دارند؛ در حالی که از مهم‌ترین اعضای گروه اخوان المسلمین و در واقع حامیان رادیکال این جریان هستند که با ترکیه نیز در ارتباط هستند. این شش نفر عبارت بودند از: عارف علیخان، راشد الحسین، محمد البیاری، سلام المرعاتی، امام محمد مغید و ابو پاتل. این هیات در جستجوی راه‌هایی برای بازگشت مجدد محمد مرسی به قدرت بودند. در تداوم این روند و با حمایت دولت ترکیه وزرای فراری محمد مرسی به استانبول پناهنده شدند و در خاک ترکیه شورای انقلابی مصر را تشکیل دادند که هدف اصلی این شورا سرنگونی رژیم کودتا و بازگشت مرسی به ریاست جمهوری بود. با حمایت‌های دولت ترکیه نشست‌های بعدی شورای انقلابی در ژنو سوئیس برگزار گردید و ژنو مقر رسمی شورا شد. هدف دولت ترکیه از این نشست‌ها در کنار تلاش برای بازخیزی اخوان المسلمین در مصر این بود تا گروه‌های اسلام‌گرای مرتبط با اخوان المسلمین در لیبی و تونس را نیز با اهداف خود همسو کرده و زمینه نفوذ خود را در آن کشورها نیز فراهم کند (Loukas, 2016:11-27).

در مرحله بعد دولت اردوغان در راستای حمایت از مصر، از حامیان خود و مردم ترکیه خواست در انتخابات آینده به خاطر مصر به نفع حزب عدالت و توسعه رای دهند. این همبستگی ناشی از اتحاد ایدئولوژیک بود که بین حزب اردوغان و اخوان المسلمین مصر وجود داشت. روزنامه حامی رجب طیب اردوغان روز بعد از تظاهرات در تیترا اول خود این عنوان را زد که "سرنوشت مصر به انتخابات ۷ ژوئن گره خورده است". این موضع‌گیری حاکی از تلاش این جناح برای احیای اخوان المسلمین در مصر بود تا حزب حامی منطقه‌ای آن یعنی عدالت و توسعه ترکیه همچنان بر اریکه قدرت باقی بماند (Kayo, 2015:1).

حزب عدالت معتقد بود سرنوشتش با سرنوشت مرسی و اخوان المسلمین گره خورده است. برای این حزب این باور وجود داشت که نیروهایی که محمد مرسی را در مصر سرنگون کردند، حزب عدالت را که در مقابل آن‌ها ایستاده نیز سرنگون می‌کنند. معترضین لیبرال و سکولار پارک گزی در ترکیه در سال ۲۰۱۳ یک نشانه بر تایید باور اردوغان بود. کودتای سال ۲۰۱۶ گویا مهر تاییدی بر نگرش اردوغان بود. مخالفان مصری ترکیه در تقابل با حمایت‌های اردوغان از بازخیزی اخوان المسلمین و پناه دادن به رهبران فراری این گروه، درخواست میزبانی از فتح الله گولن رهبر مخالفان دولت ترکیه که متهم به کودتا در این کشور بود و بررسی پناهندگی وی به قاهره در صورت ارائه درخواست رسمی را مطرح کردند. حتی یک نماینده پارلمان مصر، عبدالله محروس تاکید کرده بود حاضر به اعطای پناهندگی به فتح الله گولن است. در واقع تلاش‌های اردوغان برای بازخیزی اخوان پس از سرنگونی بر این پایه بود تا هم مخالفین داخلی خود را وادار به سکوت کند و هم حامی منطقه‌ای بزرگی به دست آورد (Kaya, 2016:11). از این رو بود که مساله مرسی در سیاست ترکیه جایگاه مهمی داشت.

اهمیت تلاش‌های دولت ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین مصر ریشه در تاریخ نیز دارد. برای عثمانی آن روز کنترل مصر همیشه در تاریخ بسیار دشوار می‌بود. بازخیزی گروه اخوان المسلمین این فرصت را به دولت اردوغان می‌دهد که بیش از گذشته بر مصر نفوذ پیدا کند. در عرصه داخلی دولت ترکیه در راستای بازخیزی اخوان المسلمین، به دنبال کودتای سیسی سفیر خود را فراخواند و روابط دو کشور رو به تیرگی نهاد. اردوغان عبد الفتاح سیسی را دیکتاتور خواند که در مصر تروریسم دولتی را برقرار کرده است. حمایت دیگر ترکیه برای باز خیزی و حمایت از اخوان المسلمین در بعد رسانه‌ای مشهود بود. اردوغان به رسانه‌های حامی محمد مرسی و مخالفان سیسی اجازه داد در خاک ترکیه مبادرت به پخش برنامه ضد عبد الفتاح سیسی و در جهت حمایت از رئیس جمهور گرفتار زندان کنند. ترکیه همچنین مانور دریایی خود با مصر در نوامبر سال ۲۰۱۳ در دریای مدیترانه را لغو کرد. نبرد سال ۲۰۱۴ اسرائیل با غزه فرصتی شد تا دولت ترکیه با همراهی قطر فشار بیشتری بر رژیم کودتا در مصر آورد. در واقع، ترکیه و قطر برنامه صلحی خلاف آنچه که مصر پیشنهاد داده بود مطرح کردند.

مقامات مصری ترکیه و قطر را متهم کردند که از بحران غزه به عنوان ابزاری برای تحلیل بردن منافع مصر استفاده می‌کنند (Aleem, 2018:2).

از جمله دیگر اقدامات سیاسی ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین، راه اندازی و حمایت از کمپین‌های ضد کودتاچیان در کشورهای لیبی، مصر، قطر و امارات متحده عربی بود. از دیگر حمایت‌های سیاسی ترکیه برای بازخیزی اخوان در آینده مصر، کاهش سطح روابط دو کشور است. اردوغان احیای روابط دو کشور را منوط به لغو حکم اعدام مرسی و آزادی او و حامیانش کرده بود (Jordan times, 2017). حمایت‌های ترکیه به صورت کارشکنی و جاسوسی در حکومت برآمده از کودتای مصر نیز جلوه گر شده است. دستگیری چهار مظنون به عنوان عوامل سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه در شبه جزیره سینای مصر حاکی از دخالت ترکیه در امور مصر بود که واکنش شدید حکومت السیسی را در پی داشت. با این حال، مصر نیز در برابر حمایت‌های ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین به مقابله با این کشور برخاسته است. بر اساس گزارش سازمان جاسوسی ترکیه، اعضای گروه پ ک ک طی شش ماه در قاهره سه بار با نماینده رژیم کودتا ملاقات داشته‌اند. مصر تعهد کرده در صورتی که اعضای پ ک ک بتوانند اطلاعاتی از روابط اخوان المسلمین با دولت ترکیه و فعالیت‌های این گروه در ترکیه در اختیار دولت سیسی قرار دهند، در عوض به آن‌ها کمک‌های تسلیحاتی، پول و ایجاد یک پایگاه در خاک مصر برای عملیات ضد ترکیه اعطا می‌کند. مقامات مصری معتقدند ترکیه از گروه‌های تروریستی در کشورشان پس از سقوط محمد مرسی و برای حمایت از اخوان المسلمین استفاده می‌کند (Reuters, 2017). کشف محموله سلاح ترکیه در مصر این دیدگاه را قوت بخشید. نیروهای حراست بندر پورت سعید دو کانتینر حاوی تعداد زیادی سلاح را کشف کردند. سایت "الفجر" مصر تأکید کرد، سلاح‌های کشف شده در کانتینرهای دو کشتی از ترکیه حرکت کرده‌اند (Aljazeera, 2015).

عمر و عدلی کارشناس امور مصر در بنیاد کارنگی تلاش‌های دولت ترکیه در بازگشت اخوان المسلمین به قدرت را این گونه ارزیابی می‌کند که اگرچه گروه اخوان المسلمین با حزب عدالت و توسعه روابط دیرینه‌ای داشته است، اما وقوع تحولات بهار عربی از اواخر سال ۲۰۱۰ دولت ترکیه را بیش از گذشته مصمم کرد تا به اخوان المسلمین

نزدیک شود. آنکارا می‌داند سکوت در برابر کودتا احتمال برگشت اخوان المسلمین به قدرت را در بلند مدت کاهش می‌دهد، از این رو، در صدد است در بحبوحه این تحولات نهایت تلاش خود برای بازگشت اخوان المسلمین به عنوان بازیگر اثر گذار در امور مصر را بکار گیرد (Mehling, 2016).

از دیگر اقدامات ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین مصر برگزاری نشست‌هایی با رهبران این جریان در ترکیه بوده است. این نشست‌ها با هدف تدوین برنامه و طرحی جهت تعامل با اوضاع پس از اقدام ارتش مصر در برکناری محمد مرسی از ریاست جمهوری این کشور و جماعت اخوان المسلمین از قدرت در این کشور برگزار می‌شدند. یکی از گروه‌های شرکت کننده در این نشست‌ها، جماعت اسلامی بود که با حمایت ترکیه فرآیند جمع آوری امضا برای بازگشت مرسی به قدرت را در مصر انجام داد. در یکی از این نشست‌ها در جولای سال ۲۰۱۳ برنامه‌ای در جهت توانمند کردن و به نوعی بازخیزی اخوان المسلمین در مصر مورد تایید قرار گرفت. این طرح تحت عنوان «برآورد دیدگاه‌ها و مواضع استراتژیک داخلی و خارجی» ارائه شده بود و اخوان المسلمین مصر باید آن را اجرا می‌کرد. در واقع، یک نگرانی ترکیه در ارتباط با اخوان المسلمین این بود که اگر به بازگشت این جریان به قدرت کمک نکند، احتمال دارد گرایش‌های سلفی‌گری و رفتن به سوی خشونت ورزی در بین رهبران اخوان بروز پیدا کند. چیزی که در حکومت مرسی رگه‌هایی از آن پدیدار شد و به آن اشاره می‌شود. چنین سناریویی سبب می‌شود رژیم حاکم، اخوان المسلمین را جریانی تروریستی دانسته و به سرکوب شدید آن اقدام کند و در نتیجه جریان حامی ترکیه را قلع و قمع کند (Gurpinar, 2015:11).

این برنامه چند سناریو نیز پیش روی آینده اخوان المسلمین در مصر در برابر شرایط کودتا می‌گذارد. یکی پذیرش بی قید و شرط رژیم کودتا، دیگری، تقابل با نظام کودتا و تاکید بر مشروعیت اخوان المسلمین و سناریوی آخر تاکید بر نظامی کردن درگیری‌ها با حکومت کودتا است. بر مبنای تلاش‌های دولت ترکیه به نظر می‌رسد مقامات این کشور از دو مورد آخر بیشتر حمایت کرده‌اند. با این حال، انتخاب مجدد سیسی به ریاست جمهوری موجب عدم حمایت دولت ترکیه از اخوان المسلمین نشد. در حالی که

عبدالله گل انتخاب سوسی را تبریک گفته بود، رجب طیب اردوغان این بیانیه را فاقد معنا دانست و تبریک به رهبر کودتا را غیر ممکن دانست. موضع اردوغان حاکی از آن بود که دولت ترکیه کماکان حامی جریان اخوان المسلمین است (Sievers, 2015:8).

البته در سال ۲۰۱۴ نیز رهبران بین‌المللی اخوان المسلمین با حمایت ترکیه در این کشور مجدداً گرد آمده بودند تا برنامه خود را برای آینده مصر تبیین کنند. در این نشست، نمایندگان به این نتیجه رسیدند که کاهش آسیب‌پذیری بهترین نفع ممکن اخوان المسلمین در مصر پس از سرنگونی مرسی است. به عبارتی، سیاست انتظار در قبال تحولات مصر نتیجه این نشست بود تا فرصت مناسب دیگری برای بازخیزی اخوان المسلمین مصر فراهم شود. این نمایندگان اظهار داشتند بهار عربی حسنی مبارک را برکنار کرد و مرسی را بر عرصه قدرت آورد و خیزش و شورش دوم او را از قدرت راند و این سرنوشت باید درسی برای اخوان المسلمین شود تا نقاط ضعف خود را شناسایی کنند. در این نشست، نمایندگان اخوان المسلمین بیان داشتند که محمد مرسی و جریان حامی او در مصر باید دو کار را انجام می‌داد تا به سرنوشت کودتای عبد الفتاح السیسی در سال ۲۰۱۳ دچار نشود. نخست محمد مرسی باید طی شصت روز اول ریاست جمهوری خود دستور تشکیل پارلمان را صادر می‌کرد تا هم بر قوه مجریه و هم نهادهای نظامی نظارت دقیقی اعمال می‌شد. تعلل مرسی به هزینه‌گزار حذف اخوان المسلمین مصر از عرصه قدرت سیاسی ختم شد. این دیدگاهی بود که نمایندگان اخوان المسلمین در ترکیه در این نشست بیان داشتند (Duzgit, 2014).

اقدام دومی که مرسی می‌بایست انجام می‌داد و به نگرش ترکیه نیز نزدیکتر بود، عدم ائتلاف با جریان‌های سلفی مسلک محافظه‌کار بود. این راست‌گرایی زمینه قطع حمایت بخشی از جامعه مصر را از مرسی فراهم کرد. در حالی که مرسی توجه چندانی به جریان‌های لیبرال و عمل‌گرا نداشت. سلفی‌ها به مرسی نشان دادند که حامیان پایداری نبوده و با سکوت خود و دامن زدن به اعتراضات ضد مرسی، کودتای نظامی را تایید کردند. در نهایت، برای بازگشت اخوان المسلمین به قدرت توصیه شد که این جریان باید استفاده از مذهب و نهادهای مذهبی که طبقات گوناگون شهروندی را پدید می‌آورد و زمینه تقابل گروه‌ها در جامعه را بیشتر می‌کند، متوقف

کند (Lindenstrauss, 2013:9). با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن بود عده‌ای به نمایندگی از کاردار سفارت ترکیه در مراسم تحلیف سیسی شرکت کرده‌اند. این نگرش حاکی از آن بود که واقعیت‌های ژئوپلیتیک بر تلاش‌های مقامات دولت ترکیه برای بازخیزی جریان اخوان المسلمین تاثیر منفی گذاشته است. با این حال، رجب طیب اردوغان حتی آمادگی خود برای پذیرش هفت رهبر اخوان المسلمین که قطر را در نتیجه فشار کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و در راس آن‌ها عربستان، ترک کرده بودند را بیان داشت (Souaiaia, 2013:3).

پیروزی خود حزب عدالت و توسعه در ترکیه نیز تلاشی در جهت بازخیزی اخوان المسلمین در مصر است. این جریان در تحولات سوریه نقش کمرنگی دارد و در تونس نیز از عرصه سیاسی کنار رفت. پیروزی حزب عدالت و توسعه گامی در جهت بازخیزی این جریان به تحولات سیاسی منطقه و به ویژه مصر بوده است. در واقع، نتایج انتخابات ترکیه به اخوان المسلمین این امکان را داده است تا بسیاری از امکاناتی که در منطقه از دست دادند را باز ستانند. اخوان المسلمین به ویژه در مصر با به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی بسیاری از امکانات و نفوذ خود را در این کشور از دست دادند. هشام الحاجی پژوهشگر سیاسی و رسانه‌ای معتقد است: پیروزی اردوغان تاثیر معنوی بر جریان‌های اسلام‌گرای سیاسی به خصوص اخوانی‌ها در مصر گذاشت تا به تلاش‌های خود برای بازگشت به عرصه قدرت سیاسی ادامه دهند (Brooke, 2015:7). در ملاقاتی که رهبران این جریان در قطر با مقامات سعودی داشتند مواضع مشترکی نسبت به سوریه داشتند و هر دو قائل به سرنگونی نظام بشار اسد بودند (Row, 2015:15).

تحولی که در ترکیه در سال ۲۰۱۶ رخ داد در حکم حمایت ضمنی حزب عدالت و توسعه از بازخیزی اخوانی‌ها در مصر بود. کودتای ضد اردوغان با شکست مواجه شد و برخی از رهبران اخوان المسلمین از جمله عبدالله الحداد که برادر و پدرش در نتیجه کودتای عبدالفتاح السیسی ضد مرسى به زندان افتاده بودند، حمایت میلیون‌ها شهروند ترکیه، از هر قوم و مذهبی، از اردوغان را مایه امیدواری به مردم مصر دانست. در حالی که احزاب مخالف در ترکیه از کودتا برائت جستند، الحداد معتقد بود جریان اپوزیسیون در مصر کودتا را با آغوش باز پذیرفت. اخوان المسلمین مصر شکست کودتا

در ترکیه را به مقامات حزب عدالت و توسعه و مردم این کشور تبریک گفت و از حمایت‌های دولت ترکیه از اخوان المسلمین تشکر کرد (Reuters, 2014).

در واقع، حمایت‌های سیاسی دولت ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین دو جنبه داشت: نخست حمایت از این جریان در خاک ترکیه اعم از برگزاری نشست‌ها، پناه دادن به رهبران اخوان المسلمین و در اختیار گذاشتن رسانه‌های خود در اختیار اخوانی‌ها بود. حمایت سیاسی دیگر در خود مصر رخ می‌داد که اقدامات اطلاعاتی و حمایت از گروه‌های تروریستی است. حمایت‌های سیاسی حزب عدالت و توسعه برای بازخیزی اخوان جنبه سلبی داشت. به عبارتی، این حمایت‌ها در راستای مخالفت بیشتر و تلاش برای برکناری رژیم کودتا بود. حمایت سیاسی از اخوان المسلمین در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی چندان برجسته نیست و از حمایت از کمپین‌های حامی مرسى و انتقاد از کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللی نسبت به سکوت در برابر کودتا فراتر نمی‌رود.

حمایت‌های اقتصادی ترکیه برای بازخیزی اخوان المسلمین: در حوزه اقتصادی

دولت ترکیه نیز ابزارهایی برای بازخیزی اخوان المسلمین به کار برد که همچون حمایت‌های سیاسی جنبه سلبی داشت و برای فشار بر رژیم عبدالفتاح السیسی بود. در عرصه اقتصادی، سیسی در برابر حمایت‌های ترکیه از اخوان المسلمین درصدد برآمد موازنه انرژی را با بستن قراردادهای انتقال انرژی به مصر از طریق دریا از کشورهای قبرس و یونان، قدرت ترکیه را در منطقه مدیترانه به چالش بکشد. ترکیه نیز سعی کرده است در این مسیر کارشکنی بکند. تانر ییلدیز وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه اعلام کرد با توجه به کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی و هزینه بالای گاز طبیعی مایع، انتقال انرژی گاز از مسیر مصر به هیچ وجه به صرفه نیست. وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه گفت انتقال انرژی گاز از مسیر مصر تنها باعث تنش‌های سیاسی خواهد شد (Trading economics, 2018).

خط انتقال گاز از سواحل اشغالی توسط اسرائیل نیز مورد رغبت کمی از سوی مقامات ترکیه قرار گرفته است، چرا که این خط لوله از مصر عبور می‌کند و مقامات این کشور در جهت حمایت از جریان اخوان المسلمین و مخالفت با حکومت کودتا، نسبت به این خط لوله رغبتی نشان نداده‌اند. دیگر حمایت‌های سلبی ترکیه از اخوان المسلمین و بر ضد رژیم کودتا در روابط تجاری دو کشور دیده می‌شود. از اواسط سال ۲۰۱۳ با کودتا علیه محمد مرسى

روابط تجاری ترکیه با مصر نیز متاثر از این اتفاق شد و روند نزولی را طی کرد. صادرات ترکیه به مصر و واردات این کشور از مصر پس از برکناری مرسی به پایین‌ترین میزان خود بین سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۶ رسید. نمودارهای زیر گویای این کاهش است (توجه: واحد در سه نمودار زیر هزار دلار می باشد).



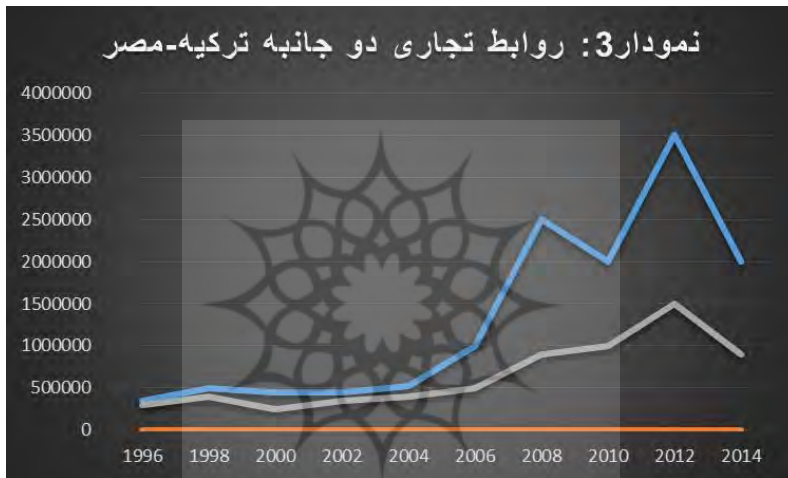
Source: [www.indexmundi.com/turkish export/7845](http://www.indexmundi.com/turkish%20export/7845)

بر اساس نمودار فوق، صادرات ترکیه به مصر در سال ۲۰۱۳، ۳۰۰ میلیون دلار بوده که در چهار سال روند نزولی را طی کرده و در سال ۲۰۱۶ به کمتر از ۱۷۰ میلیون دلار رسیده است.



Source: [www.indexmundi.com/turkish imports/7845](http://www.indexmundi.com/turkish%20imports/7845)

بر اساس نمودار بالا که نشانگر واردات ترکیه از مصر است، این میزان در سال ۲۰۱۳ حدود ۱۲۰ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۶ به ۹۰ میلیون دلار رسیده و بیانگر کاهش است. در واقع، این کاهش تعاملات تجاری را باید کاهش کمک‌های اقتصادی تلقی کرد و نه کاهش روابط تجاری. نمودار زیر بخشی از روابط تجاری دو کشور را در بازه زمانی بیشتری به نمایش گذاشته و درحالی که نشان می‌دهد روابط تجاری دو کشور طی یک دهه گذشته سیر صعودی داشته است، تحول در عرصه سیاسی مصر و برکناری اخوان المسلمین این سیر را برعکس کرد.



صادرات ترکیه به مصر
source: trading economics, 2018

صادرات مصر به ترکیه

به نظر می‌رسد اگر چه رویکرد اقتصادی دولت ترکیه نسبت به مصر، بیرون نگاه داشتن عامل سیاست بود، اما برکناری مرسى و حذف اخوان المسلمین از عرصه سیاسی این کشور چنان پر اهمیت بود که به کاهش روابط تجاری دو کشور ختم شد. به گونه‌ای که اندرو لبر همین میزان افزایش را نه تجارت بلکه کمک می‌دانست که با رفتن مرسى به ابزاری برای فشار بر حکومت کودتا تبدیل شد (muftah institute, 2017).

رئیس جمهور ترکیه حتی در راستای حمایت‌های اقتصادی و کاهش نگرانی خود از عکس‌العمل عربستان سعودی و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برای تلافی اقتصادی، با شاه سعودی نیز در دسامبر سال ۲۰۱۵ دیداری داشت. عربستان در مارس سال ۲۰۱۴ اخوان المسلمین را سازمانی تروریستی معرفی کرده بود و در واکنش به حمایت قطر از این جریان و حضور برخی رهبران این جریان در این کشور سفارت خود در دوحه را بست. امارات متحده عربی و بحرین نیز به تبعیت از عربستان همین اقدام را انجام دادند. نوار ضبط شده لو رفته از مکالمات رجب طیب اردوغان نیز این ترس را نشان داده بود که در صورت واکنش کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نسبت به حمایت ترکیه از اخوان المسلمین، بخش عظیمی از مبادلات اقتصادی ترکیه با این کشورها دچار مشکل خواهد شد (Brooke, 2015:7). پیرو این نگرانی‌ها مخالفت‌های لفظی مقامات ترکیه با حکم اعدام مرسی و حکومت سوسی کاهش یافت. دولت ترکیه برای رهایی از این نگرانی اقتصادی و تداوم تلاش‌های خود برای بازخیزی اخوان المسلمین سفرهایی به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس داشت تا مانع این چنین انزوایی شود. دولت امارات در نتیجه این ملاقات اعلام کرد سفیر خود در ترکیه را بعد از سه سال سردی در روابط دو کشور منصوب می‌کند (Yegin, 2016:7). با این حال، ترکیه توانسته بود قطر را متقاعد کند که کمک‌های مالی خود به اخوان المسلمین را همچنان استمرار ببخشد. در واقع، قطر با درخواست ترکیه ۲,۵ میلیارد دلار به مرسی و اخوان المسلمین کمک کرد و قول داده بود این مبلغ را به پنج میلیارد دلار برساند. با سقوط مرسی، دو کشور قطر و ترکیه تداوم سرمایه‌گذاری‌های خود در مصر را منوط به آزادی و بازگشت رئیس جمهور مخلوع کرده بودند (Gumusluoglu, 2016). اگر چه بعدها قطر با فشارهای دولت سعودی از مواضع خود در حمایت از اخوان المسلمین فاصله گرفت و به سمت برقراری روابط با رژیم سوسی رفت و ترکیه را در حمایت از اخوان المسلمین تنها گذاشت (Abi-Habib, 2013).

عبدالمعاطی زکی ابراهیم پایه‌گذار حزب عدالت و آزادی که بازوی سیاسی اخوان المسلمین است اظهار کرده بود که حمایت‌های مالی ترکیه و قطر برای بازگشت اخوان

المسلمین به قدرت از آن رو است که اخوان المسلمین دروازه ورود به خاورمیانه است. ابراهیم بیان کرده بود اگر قدرت‌های بزرگ برای بازگشت اخوان المسلمین به عرصه قدرت حاضر به انجام هیچ حمایتی نیستند، چرا نباید قدرت‌های کوچکی همچون ترکیه و قطر این خلاء را پر نکنند. ابراهیم در این زمینه یک ضرب‌المثل قدیمی را بیان می‌کند که می‌گوید؛ کسی از گربه‌ای پرسید که چرا همچون شیر رفتار می‌کنی؟ و گربه گفت چون که شیر همچون یک گربه رفتار می‌کند (nytimes,2013).

نتیجه‌گیری

گفتمان سیاسی حزب عدالت و توسعه در ترکیه به دلیل برخورداری از موقعیت جغرافیایی و فرهنگی مناسب توانست به سطح قابل قبول در داخل و سپس در بیرون از مرزهای ترکیه برسد. از منظری قابلیت و کارایی این گفتمان در پاسخگویی به چالش‌ها و مطالبات مردمی منجر به این گردید که افکار عمومی در داخل و بیرون از ترکیه، آرمان‌ها و شعارهای حزب عدالت و توسعه را به مثابه چراغ راهنمایی روشن برای رسیدن به توسعه اقتصادی، رفاه ملی و امنیت داخلی در نظر بگیرند. یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی حزب عدالت و توسعه طی بازه زمانی نزدیک به دو دهه به عملکرد مثبت اقتصادی و رفاهی این جریان در داخل ترکیه بر می‌گردد.

رهبران عدالت و توسعه در تلاش برای منطقه‌ای کردن گفتمان سیاسی‌شان هستند. احمد داوود اوغلو معمار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و از پیشگامان عدالت و توسعه بر این باور است که هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه و کشورهای عربی ظرفیت گفتمان سازی و عمق استراتژیک برای ترکیه ندارد. برای این منظور دکترین نوعثمان‌گرایی وارد دستگاه سیاست خارجی ترکیه شد و ترکیه شروع به کنش‌گری فعال در تحولات خاورمیانه کرد. این وضع تا آغاز تحولات بیداری عربی ادامه یافت و با شروع این تحولات از تونس و مصر، بهترین فرصت برای رهبران ترکیه جهت به آزمون گذاردن ایده‌های فکری و سیاسی‌شان پیش آمد. سقوط دیکتاتورهای مصر و تونس و نیاز به ایجاد نظام سیاسی جدید، زمینه مناسبی را برای صدور اندیشه‌های عدالت و توسعه به عنوان گفتمانی کاربردی و کارا فراهم نمود. افکار عمومی جامعه عرب هم با

توجه به رشد اقتصادی مداوم ترکیه، دیدگاه مساعد و مثبتی به عدالت و توسعه داشتند و گفتمان حاکم در ترکیه را بهترین مدل برای نظام سیاسی‌شان در نظر می‌گرفتند. حزب النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر قدرت را به دست گرفتند و این امر باعث شد که همه از موفقیت الگوی سیاسی ترکیه سخن بگویند.

با این حال، موج دوم تحولات در منطقه و سقوط اخوان المسلمین از قدرت در مصر، همه پیش بینی‌ها و خوش بینی‌های اولیه را برهم زد و این پیام را داد که تحولات خاورمیانه از عمق و پویایی به مراتب گسترده‌تری برخوردار است. پیدایی این وضعیت برای ترکیه بسیار سخت و دشوار جلوه کرد و رهبران ترکیه اقدام به قطع روابط دیپلماتیک با دولت نظامی السیسی کردند.

جدای از این اقدامات، آنچه که در صحنه عمل اتفاق افتاد سقوط غیر منتظره اخوان المسلمین، جایگاه فکری و گفتمانی ترکیه را در منطقه زیر سوال برد و این کشور که از آن به عنوان الگویی برای حکومت‌های پسا انقلابی در منطقه یاد می‌شد، به لحاظ گفتمانی در محاق فرو رفت. جالب اینجاست که این مسئله در داخل ترکیه هم تاثیر گذاشت. بدین رو با حذف اخوان المسلمین در مصر، حزب عدالت و توسعه نه تنها در سطح منطقه ای با کاهش اعتبار و جایگاه سیاسی مواجه شد، بلکه در داخل ترکیه هم با بحران روبرو گردید.

منابع و مأخذ

- ۱- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- ۲- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، «گفتمان، پادگفتمان و سیاست»، مؤسسه توسعه علوم انسانی، تهران.
- ۳- تاجیک، محمد رضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ۴- منوچهری، عباس (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۵- هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»؛ ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، فصلنامه لوم سیاسی، شماره ۲.
- 6- Abi-Habib, Maria (2013). "Qatar's Aid to Egypt Raises Fears on Motives", <https://www.wsj.com/articles/SB10001424127887324031404578480771040838046>
- 7- Aleem, Ahmed (2018). "Turkish-Egyptian war of words in eastern Mediterranean heats up", <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2018/02/egypt-turkey-cyprus-eastern-mediterranean-natural-gas-rights.html>
- 8- Brooke, Steven (2015). "The Muslim Brotherhood's social outreach after the Egyptian coup", https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/07/Egypt_Brooke-FINALE.pdf
- 9- Byman, Daniel (2014) "The Arab Awakening: America and the Transformation of the Middle East. USA: Brookings Institution Press.
- 10- Duzgit, Senem (2014). "The Seesaw Friendship between Turkey's AKP and Egypt's Muslim Brotherhood", <http://carnegieendowment.org/2014/07/24/seesaw-friendship-between-turkey-s-akp-and-egypt-s-muslim-brotherhood-pub-56243>
- 11- Duzgun, Arslantas (2015). "The political analysis of the Muslim brotherhood and the AKP tradition: why did Turkish model failed in Egypt?" <http://etd.lib.metu.edu.tr/upload/12616419/index.pdf>.
- 12- El. Sherif, Ashraf (2015). "The Egyptian Muslim brotherhoods failures", https://carnegieendowment.org/files/muslim_brotherhood_failures.pdf

- 13- Gurpinar, Bulut (2015). "Turkey and the Muslim brotherhood: crossing roads in Syria", <https://eurasianpublications.com/Eurasian-Journal-of-Social-Sciences/Vol.3-No.4-2015-3.pdf>
- 14- Gumusluoglu, Feyza (2016). "Turkey's Choices: Muslim Brotherhood or Regional Isolation", <http://www.mei.edu/content/article/turkey%E2%80%99s-choices-muslim-brotherhood-or-regional-isolation>
- 15- Jaccobson, J (2016). "Turkey and Saudi seek to aid Egypt's Morsi", <https://muslimvillage.com/2015/05/25/82026/turkey-saudi-seek-aid-egypts-morsi/>
- 16- Karabat, Ayse " Turkey- Egypt Ties to deepen if Mubarak Leaves power", Sunday's Zaman.2011 <http://www.todayszaman.com/news-234617-turkey-egypt-ties-to-deepen-if-mubarak-leaves-power.html>
- 17- Kaya, Zeynep (2016). "THE AKP AND TURKISH FOREIGN POLICY in the middle east", https://eprints.lse.ac.uk/66139/1/Kaya_AKPForeignPolicy_2016.pdf
- 18- Khattab, Moushira (2013). "Turkey and Egypt: Where is the Model?" <http://turkishpolicy.com/Files/ArticlePDF/turkey-and-egypt-where-is-the-model-winter-2013-en.pdf>
- 19- Kuru, Ahmet (2015). "Turkey's Failed Policy toward the Arab Spring: Three Levels of Analysis", <https://ahmetkuru.sdsu.edu/docs/Kuru%20MQ.pdf>
- 20- Linden Strauss, Gallia (2013). "Turkey and the Arab spring: embracing peoples power" https://www.files.ethz.ch/isn/165559/PapersEuromesco_14.pdf
- 21- Loukas, Sara (2016). "After the fall from Power: The Egyptian Muslim Brotherhood's post July 2012 Survival and the Role of its Networks Abroad", https://openaccess.leidenuniv.nl/bitstream/handle/1887/53732/2016_Loukas_CSM.pdf?sequence=1
- 22- Maccarty, Charles (2015). "Turkey opposition leader urges Egypt not to execute Morsi", <http://news.videonews.us/turkey-opposition-leader-urges-egypt-not-execute-morsi-2920888.html>
- 23- Mehling, Nicholas (2016). "Turkey and Egypt: a new opening for rapprochement?" <https://www.dailynewsegypt.com/2016/07/12/turkey-egypt-new-opening-rapprochement/>

- 24- Mensur, Akgun (2011). "The Perception of Turkey in the Middle East", Economic and Social Studies Foundation. Bankalar Cad. Minerva HanNo: 2 Kat: 3, www.tesev.org.tr
- 25- Meringolo, Azzurra (2016). "Rabia sign becomes anti-coup symbol in world", <http://www.worldbulletin.net/egypt-military-coup/176151/rabia-sign-becomes-anti-coup-symbol-in-world>
- 26- Row, Bedford (2015). "The Egyptian Experience of the Muslim Brotherhood in Power 2012-2013", <http://9bri.com/wp-content/uploads/2015/06/Report-II.9BRi.Muslim-Brotherhood-in-Power.pdf>
- 27- Shayan, Rose (2016). "Mohamed Morsi death sentence overturned", <https://www.theguardian.com/world/2016/nov/15/mohamed-morsi-death-sentence-overturned>
- 28- Shurafa, Sara (2012). "The growing Brotherhood Crescent of the Middle East", <https://gulfnews.com/news/mena/syria/the-growing-brotherhood-crescent-of-the-middle-east-1.985449>
- 29- Sievers, Marc (2015). "Turkey and Egypt's Great Game in the Middle East", <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/turkey-and-egypts-great-game-in-the-middle-east>
- 30- Souaiaia, Ahmed (2013). "Middle East Politics Reshuffle: The Future of Islam in the public sphere", <http://www.reasonedcomments.org/2013/07/0715098-muslim-brotherhood.html>
- 31- Yegin, Mehmet (2016). "Turkey's reaction to the coup in Egypt in comparison with the US and Israel", **Journal of Balkan and Near Eastern Studies**, Volume 18, Issue 4
- 32- Anadolu Agency news (2016). "Turkey opposition leader urges Egypt not to execute Morsi", <https://www.aa.com.tr/en/politics/turkey-opposition-leader-urges-egypt-not-to-execute-morsi/42067>
- 33- Daily Sabah (2015). "President Erdoğan: 'Morsi death penalty massacre of rights and freedoms'", <https://www.dailysabah.com/diplomacy/2015/06/16/president-erdogan-morsi-death-penalty-massacre-of-rights-and-freedoms>
- 34- Reuters (2017). "Egypt detains 29 people on suspicion of espionage for Turkey", <https://www.reuters.com/article/us-egypt-court/egypt-detains-29-people-on-suspicion-of-espionage-for-turkey-idUSKBN1DM1AN>

35- Reuters (2014). “Turkey would welcome Muslim Brotherhood figures who leave Qatar: Erdogan”, <https://www.reuters.com/article/us-egypt-brotherhood-turkey-idUSKBN0HB0FF20140916>

36- Jordan times (2017). “Erdogan says Egypt should free Morsi before it can restore ties”, <http://www.jordantimes.com/news/region/erdogan-says-egypt-should-free-morsi-it-can-restore-ties>

37- Aljazeera (2015). “Erdogan won't restore Egyptian ties 'until Morsi freed””, <https://www.aljazeera.com/news/2015/04/erdogan-won-restore-egyptian-ties-morsi-freed-150410011829224.html>

38- Trading economics (2018). “Turkey Exports to Egypt 2014-2018”, <https://tradingeconomics.com/turkey/exports-to-egypt>

39- Muftah institute (2017). “Trade or Aid?: Egypt-Turkey Economic Ties in Context” <https://muftah.org/trade-aid-egypt-turkey-economic-ties-context/#.W3-m9M4zbIV>

